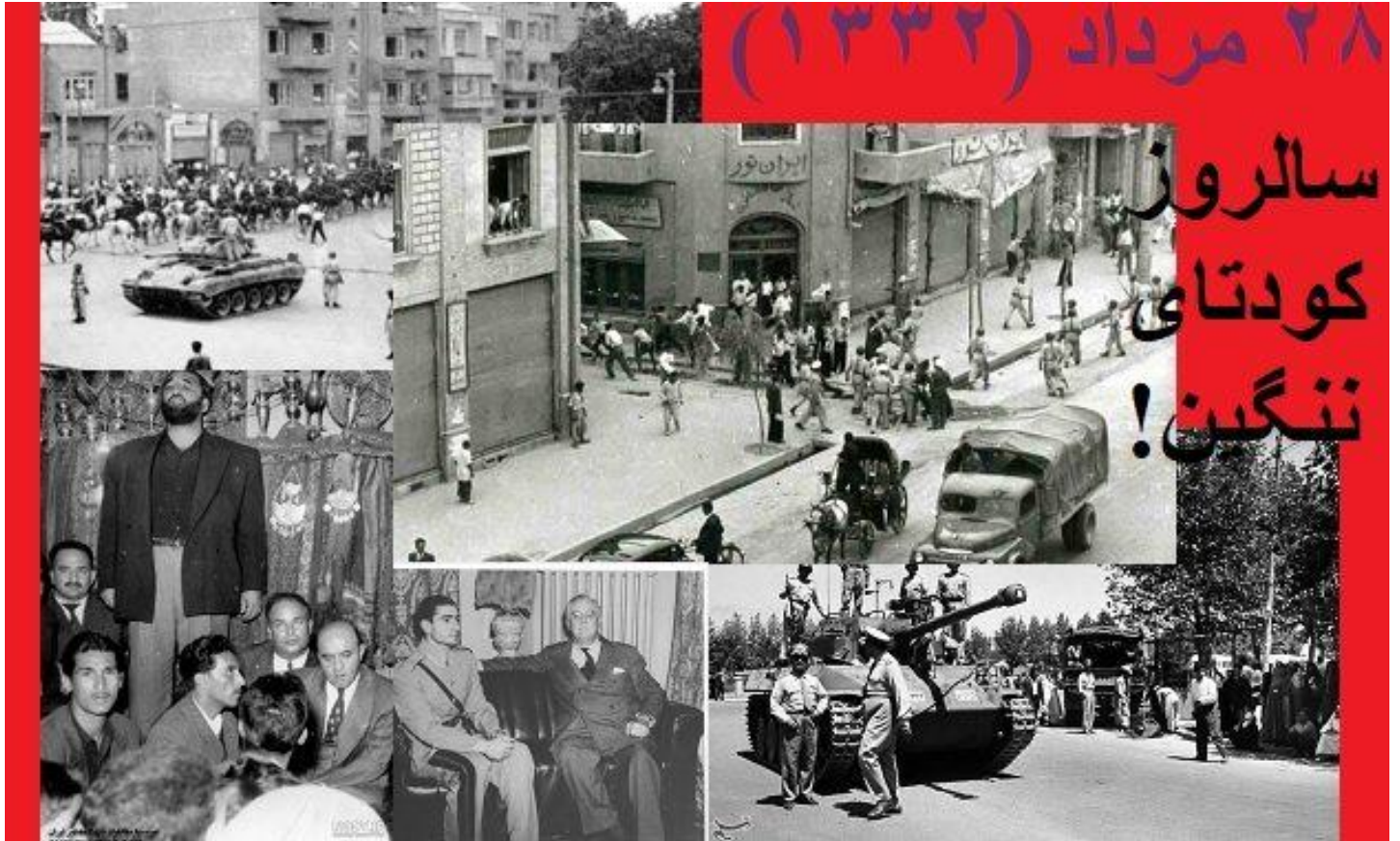


# کودتای ننگین ۲۸ مرداد هرگز از یادها نخواهد رفت



اکنون در سایه پلشتی‌های رژیم اسلامی، وارثان سیاسی کودتای ۲۸ مرداد بر حال و روز اوضاع مردم اشک تمساح می‌ریزند و با استفاده از وسائل تبلیغی وسیع که با پول‌های به غارت رفته ملت فراهم کرده‌اند با تبلیغات دروغین تاریخ دوران استبداد ستم شاهی را دگرگونه جلوه داده و سعی در فریب مردم دارند. تلاش دارند تا چنان وانمود کنند که دوران سلطنت همه چیز بر وقف مراد بوده و انقلاب ضد سلطنت در کشور «گل و بلبل» ایران ناشی از دسیسه مذهبی‌ها و چپ‌ها بوده است. آنها آشکارا و عامدانه سلب حاکمیت مردم با ضرب کودتا و به زور سرنیزه و تبدیل حکومت مشروطه به دیکتاتوری فردی را نادیده می‌گیرند

اطلاعیه سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به مناسبت سالروز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



## کودتای ننگین ۲۸ مرداد هرگز از یادها نخواهد رفت.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تاریخ کشور ما به عنوان روزی که تلاش‌های جامعه ایران برای رسیدن به حاکمیت ملی و دموکراسی را عقیم گذاشت، ثبت شده است.

انقلاب مشروطه حرکت جامعه ایران بود علیه استبداد و خودکامگی و برای رسیدن به دموکراسی، حق حاکمیت ملی و حکومت قانون. استبداد از همان ابتدا تلاش برای مقابله با این جنبش و بازگشت به اراده مطلق‌العنان حکام مستبد را در دستور خود قرار داد.

کودتای محمد علیشاه سرآغاز این تلاش‌ها بود. جنبش مردم این تعرض را عقب زد، ولی استبداد و ارتجاع مذهبی از پای ننشستند و تعرضات علیه دستاوردهای مردم ادامه یافت و با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی و سپس تعویض سلسله پادشاهی و به قدرت رسیدن رضا شاه، مشروطه از درون خالی شد و استبداد فردی بازگشت.

وقوع جنگ جهانی دوم، هجوم متفقین به ایران و سقوط رضاشاه، به جامعه ایران مهلت داد تا در فاصله سالهای ۲۰-۳۲ دوره کوتاهی از دموکراسی را تجربه کنند. فضای سیاسی باز شد، احزاب سیاسی شکل گرفتند، تشکلهای مردمی سربرآوردند، روزنامه‌ها آزاد شدند و جنبش‌های دمکراتیک رشد پیدا کردند. یکی از مهمترین موضوعات این دوره مسئله حاکمیت ملی بر منابع کشور و به ویژه نفت بود. قراردادهای استعمارگرانه، که چوب حراج به ثروت ملی زده بودند، به موضوع روز بحث عمومی تبدیل شد و مردم خواهان اعاده حق حاکمیت ملی بر نفت شدند.

در این دوره کوتاه مطالبات مهجور انقلاب مشروطیت دوباره زنده شدند: حاکمیت ملی، تابعیت حکومت از رای مردم، حکومت قانون و پاسخگوئی حکومت به نیازهای جامعه. شعار ملی کردن نفت به کانون مبارزه میان مردم و ارتجاع تبدیل شد. ارتجاع و امپریالیسم به تلاش‌های خود برای مقابله با خواست مردم ادامه دادند و در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عوامل و برخی از نظامیان وابسته به دربار و عمال بیگانگان و با پول و پشتیبانی آمریکا و انگلیس و با بسیج اراذل و اوباش، حکومت ملی مصدق را واژگون کرده و شاه فراری را بازگرداندند. در جریان کودتا برخی از روحانیون به بهانه جلوگیری از رشد کمونیسم، با دربار و عوامل کودتا همراهی کردند.

نباید فراموش کرد که برخی از روحانیون شیعه بلافاصله و برخی به فاصله کوتاهی از ۲۸ مرداد، از دولت کودتا رسماً پشتیبانی کردند. به عنوان مثال آیت الله کاشانی سه هفته بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در مصاحبه با روزنامهٔ مصری " اخبارالیوم " روی کار آمدن دولت کودتا را "سبب مسرت" دانست.

۲۸ مرداد ادامه مقابله ارتجاع و استبداد و حامیان خارجی آنها با جنبش دمکراتیک مردم بود که از به توپ بستن مجلس اول توسط محمد علیشاه آغاز شد، با کودتای سوم اسفند ادامه یافت و با کودتای ۲۸ مرداد دوران دیکتاتوری سیاه محمد رضا شاهی را برای ۲۵ سال مستقر کرد. تا پس از انقلاب بزرگ سال ۱۳۵۷ بار دیگر این بار در قالب حکومتی مذهبی جنبش دمکراتیک مردم سرکوب شود و دوران استبداد سیاه و بسی سیاه تر از دوران قبل در ایران سایه گسترد.

در ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد، چارچوبی که قانون اساسی مشروطه برای قدرت شاه تعیین کرده بود، بار دیگر شکسته شد و افزایش قدرت شاه، منجر به دیکتاتوری او در سال‌های بعد شد. استقلال سیاسی ایران از بین رفت، و عملاً حکومت شاه را به یک حکومت دست‌نشاده و وابسته تبدیل کرد. به ویژه آن که بتدریج آمریکا نقش اصلی را در تسلط بر حکومت ایران بر عهده گرفت. با این کودتا رژیم سلطنتی به دلیل وابستگی به عوامل خارجی مشروعیت خود را در نزد مردم ایران از دست داد.

تبعات این کودتا برای جامعه ما سنگین بود و تا به امروز ادامه دارد. پس از کودتا دموکراسی نوپا از ایران رخت بریست، احزاب سیاسی مستقل جای خود را به احزاب دولتی دادند. سرکوب فعالین مبارز دمکرات، آزادیخواه و عدالت طلب در ابعاد وسیع در دستور کار حکومت پس از کودتا قرار گرفت و در تمام دوران بیست و پنج ساله ادامه یافت. فضای آزاد سالهای ۲۰-۳۲ به فضای اختناق و سرکوب تبدیل شد و ساختار امنیتی گسترده‌ای در ایران شکل گرفت و آزادی سیاسی در ایران پایمال شد. از

فردای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، حکومت وابسته سلطنتی برای حفظ خود، دستگاه مخوف پلیسی و سرکوب را ایجاد کرد که وظیفه اصلیش سرکوب همه احزاب و سازمانها و محافل چپ، دمکرات، ملی و لیبرال دمکرات بود. تنها شبکه سنتی مذهبی سراسری باقی ماند که در جریان انقلاب ۱۳۵۷، در سایه تضعیف و فقدان سازمانهای چپ و دمکرات، و با استفاده از باورها و پندارهای مذهبی مردم توانست بر موج جنبش وسیع ضد حکومت سلطنتی سوار شده و رهبری انقلاب را بدست گیرد و پس از انقلاب با سرکوب خونین مخالفین خود، حکومتی وحشیانه‌تر و خشن‌تر از حکومت قبلی را برپا کند.

اکنون در سایه پلشتی‌های رژیم اسلامی، وارثان سیاسی کودتای ۲۸ مرداد بر حال و روز اوضاع مردم اشک تمساح می‌ریزند و با استفاده از وسائل تبلیغی وسیع که با پول‌های به غارت رفته ملت فراهم کرده‌اند با تبلیغات دروغین تاریخ دوران استبداد ستم شاهی را دگرگونه جلوه داده و سعی در فریب مردم دارند. تلاش دارند تا چنان وانمود کنند که دوران سلطنت همه چیز بر وقف مراد بوده و انقلاب ضد سلطنت در کشور «گل و بلبل» ایران ناشی از دسیسه مذهبی‌ها و چپ‌ها بوده است. آنها آشکارا و عامدانه سلب حاکمیت مردم با ضرب کودتا و به زور سرنیزه و تبدیل حکومت مشروطه به دیکتاتوری فردی را نادیده می‌گیرند.

مردم ما نیازی به بازگشت به حکومت استبدادی سابق ندارند. یک بار طومار چند هزار ساله پادشاهان مستبد را بستند و اکنون با مبارزه با حکومت مذهبی، طومار حکومت مشروعه را نیز خواهند بست و با استقرار جمهوری دمکراتیک سکولار(لائیک) و مردمی حاکمیت را از آن خود خواهند کرد.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پنجشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۸ اوت ۲۰۲۲